

جنگ آینده از منظر آماد و پشتیبانی

محمد حسن باقری^۱

چکیده

جنگ آینده و ترسیم تصویر روشنی از آن همواره دل‌نگرانی اصلی استراتژیست‌ها و تحلیل‌گران مسائل نظامی و استراتژیک بوده است. موفقیت در ترسیم تصویر نزدیک به آنچه رخ خواهد داد و آمادگی برای آن، مزیت فوق‌العاده‌ای به هر کشور خواهد بخشید و در طول تاریخ نیز عدم موفقیت در ترسیم صحیح جنگ آینده باعث بروز شکست‌های سنگینی برای کشورها شده است. با توجه به نقش محوری تصویر جنگ آینده در آماد سازی نیروهای دفاعی کشور، از زوایای مختلف به آن پرداخته می‌شود؛ از جمله نگاه به جنگ آینده از منظر آماد و پشتیبانی که در این رهگذر از اهمیت خاصی نیز برخوردار است زیرا نبردها با توجه به کارایی پشتیبانی و منابع آمادی در دسترس در صحنه‌ی جنگ محدود شده و یا گسترش می‌یابند پردازد.

کلید واژگان: جنگ آینده، آماد، پشتیبانی، استراتژی، جنگ نامتقارن

سیستم لجستیک مرکز ثقل طرفین نبرد می‌باشد که توجه اساسی طراحان عملیاتی را جلب نموده و نقش منبع قدرت و استعداد را ایفا می‌نماید. لجستیک، پشتیبان استراتژی است و بالعکس. تعامل دو سویه این دو بر یکدیگر، محیط نبردهای آینده و همچنین "آیین رزم" را رقم می‌زند. به آن بخش از آماد و پشتیبانی که معمولاً قدرت استراتژی را به نمایش می‌گذارد "ماشین جنگ" گفته می‌شود. ماشین جنگ نشان دهنده قدرت تسلیحاتی و تجهیزاتی است که در مباحث نظامی به عنوان موازنه نظامی^۱ مطرح می‌شود.

حوادث و رویدادهای نظامی در دو دهه اخیر، عملکرد ارتش آمریکا در بالکان، افغانستان و عراق و بکارگیری شیوه‌های جدیدی از نبرد متفاوت از تجارب گذشته با بهره‌مندی از تکنولوژی تسلیحاتی و اطلاعاتی صاحب‌نظران نظامی را در همه عرصه‌ها به فعالیت واداشت تا از زوایای گوناگون به مباحث مربوط به برخوردهای نظامی از جمله جنگ‌های آینده پردازند، اما با هر رویکردی که به مفهوم جنگ آینده نگریسته شود، لازم است متناسب با آن به تدوین استراتژی نظامی مورد نیاز کشور هم پرداخته شود. شاید بیان شود که تنظیم و ارائه استراتژی، برخلاف سناریوپردازی مستلزم یک سلسله واقعیات و امور قطعی و نه محتمل است. اگرچه این دیدگاه، دیدگاه مقبولی است، اما صرف نظر از حوادث نامعلومی که در آینده به وقوع خواهند پیوست، رهبران نظامی و سیاسی، باید مسیری را برای آینده ترسیم نمایند. آن‌ها باید بدانند در کدام جهت گام بر می‌دارند و به دنبال چه هستند. از درون آینده نامعلوم و نامطمئن، استنتاج تهدید مشخص و عینی، امری به غایت دشوار است. اما همان‌طور که کالین گری می‌گوید، اتخاذ یک سری اصول برای برنامه ریزی و تدوین استراتژی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. وی معتقد است با این فرض که در آینده هر تحولی امکان‌پذیر خواهد بود، لازم است تا اصول ذیل در برنامه‌ریزی دفاعی کشورها مورد توجه قرار گیرند:

- (۱) رویارویی با حقایق و پذیرفتن جهل خود نسبت به آینده.
- (۲) به کارگیری اولویت‌های ژئواستراتژیکی در برنامه‌ریزی خطاپذیر.

^۱-Military Balance

(۳) مجموعه‌ای از توالی اهداف کوتاه مدت و برنامه‌های درازمدت.
(۴) لزوم انعطاف‌پذیری نیروهای مسلح، برای سازگاری با موقعیت‌های متغیر
(۵) درس گرفتن از گذشته با توجه به غیرقابل پیش‌بینی بودن امور و تغییرات مداوم در دوستی‌ها و دشمنی‌ها.

(۶) لزوم هماهنگ‌سازی ساختن امکانات با اهداف کشور.
(۷) آزمون مداوم فرضیات مبتنی بر عقاید پیشین و شکل‌دهی مجدد به اصول مبتنی بر دکترین و چارچوب سیاسی جاری کشور (۲۱۳: ۱)

با نگرش به این اصول لازم است همواره از شناخت روندها و داده‌ها گامی فراتر نهاد، و سعی بیشتری در فهم عواقب روندها و بازده‌ها صورت پذیرد و اصولاً اکثر برنامه‌ها و طرح‌ریزی‌های نظامیان بر پایه احتمالات است. البته احتمالاتی آگاهانه و توأم با تجزیه و تحلیل.

پیروزی در میادین رزم تنها با شجاعت فرماندهان و ایشار و فداکاری رزمندگان حاصل نمی‌شود بلکه بخش قابل ملاحظه‌ای از آن در نتیجه پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزی‌های قبل از وقوع جنگ حاصل می‌شود و به همین علت است که قرآن مسلمانان را به مهیا شدن و آمادگی در برابر دشمنان آشکار و پنهان فرا می‌خواند.

پشتیبانی کردن یکانهای نظامی در هر عملیاتی یکی از عوامل اساسی است که می‌تواند سهم و تأثیر بسزایی در پیروزی و موفقیت یکانها در انجام مأموریت داشته باشد. پیش‌بینی و توان انجام به موقع جایگزینی نیروهای جنگی، رساندن اقلام و ملزومات مورد نیاز برای رزم و بویژه تدارک غذایی نیروهای رزمنده، ترابری و جابجایی آنها و حتی توان تخلیه بموقع مجروحین تأثیر مستقیم بر آمادگی رزمی و توان دفاعی و رزمی نیروها دارد و به تنهایی عدم انجام هر کدام از موارد بالا می‌تواند زمینه شکست هر یکان نظامی را فراهم آورد. لذا تدوین و ارائه استراتژی نظامی مناسبی که بتواند در صحنه‌های رزم در جنگهای آینده بموقع و مناسب جوابگوی تأمین نیازمندی‌های یکانها برای ادامه جنگ و رزم باشد می‌تواند کارآیی رزمی یکانها را بالا برد و امکان پیروزی آنها را افزایش دهد. عملکرد نیروهای آمریکایی و متحدین آنها در جنگهای اخیر در یوگسلاوی، افغانستان و عراق ماهیت جدیدی از جنگ را ارائه نمود و کشور ما که تهدید اصلی خویش را آمریکا می‌داند برای بیان جنگهایی که در آینده ممکن است در آن درگیر شود نباید صرفاً به

تجارب ناشی از جنگهای پیشین خود اکتفا کند. لازم است تا به جنگهای جدیدی که در سطح منطقه و جهان رخ داده است نیز توجه داشته و آخرین دستاوردهای آن را فراگرفت. فراگیری آموزه‌ها و دروس این جنگها از چندین جهت حائز اهمیت است و در طرز تلقی و درک کشورها نسبت به جنگهای آینده تأثیرگذار است:

اولاً: می توان از آخرین سطح فناوری تسلیحاتی بکار گرفته شده در عرصه های جنگ آگاهی یافت.

ثانیاً: از طریق مقایسه سطح فناوری تسلیحاتی و شیوه های جنگیدن در آن جنگها با توانایی ها و استراتژی نظامی خود از نقاط ضعف و آسیب پذیریهایی خود در صورت ورود احتمالی در چنین جنگی مطلع شد و در صدد رفع آن برآمد.

تعاریف و کلیات

۱ - جنگ آینده :

حجم گسترده‌ای از ادبیات مربوط به آینده و جنگ آینده منتشر شده، در عمده این ادبیات که در مورد جنگ مطرح شده دو نوع متدلوزی اصلی را برای بررسی و بیان این مفهوم به کار برده اند. متدلوزی نخست بر سناریوپردازی در مورد جهان و جنگ آینده و متدلوزی دوم بر توصیف روندهای کنونی و پیش بینی جهان آینده بر اساس آن استوار است. در پژوهش حاضر مفهوم جنگ آینده عبارت است از جنگهایی که در آینده احتمال دارد جمهوری اسلامی ایران در آن درگیر شود که این جنگها ماهیتاً با جنگهای ماقبل و تجربه شده حداقل سه تفاوت اساسی دارند؛ (۱) فناوری تسلیحاتی به مراتب پیشرفته تر از گذشته (۲) استراتژیهای جدید نظامی (۳) توجه به شیوه های جنگ نامتقارن در آنها و محقق در بیان این مفهوم ترکیبی از دو متدلوزی را مد نظر دارد (توجه شود به جنگ و ضد جنگ تافلرها^۱ و فرجام تاریخ و واپسین انسان- فوکویاما)

الف - متدلوزی سناریوپردازی

این روش در نخستین گام، مسأله اساسی را مشخص می کند و عوامل کلیدی تأثیرگذار بر این موضوع محوری را تبیین می کند. این عوامل نیروهای پیش برنده و روندهای عمده در محیط استراتژیک هستند. این مسأله شامل دانسته‌ها و مفروضاتی درباره موضوع می شود، حرکت

¹ Alvin and Hidi Tafler

براساس دانسته‌ها، روندها و عدم اطمینانها در یک شیوه منسجم مشخص می‌شود و سرانجام شاخصها تعیین می‌گردد. بنابراین سناریو طراحی می‌شود تا چشم اندازهای بدیعی را ایجاد کند و طراحی در یک فضای مبهم را تسهیل کند.

ب - متدلوزی پیش بینی براساس تحلیل روندها

این متدلوزی که بر توصیف روندها متمرکز است در عوض تولید سناریوهای امنیتی چندگانه به توصیف کیفی روندهای مختلف می‌پردازد.

این تحلیل‌ها عمدتاً به یک وضعیت و سناریو منجر می‌شوند. آنها بیشتر صورت پیش بینی دارند و به گونه‌ای خطی خود را به توصیف کیفی محدود می‌کنند. به تعبیر دیگر این نوع مطالعات با بررسی وضعیت فعلی و روندهای جاری تلاش می‌کنند با استفاده از جهت این روندها به پیش بینی آینده بپردازند.

۲ - جنگ نامتقارن

واژه *Assymmetric Warfare* به معنی نابرابر یا نامتقارن آورده شده است. این واژه در مقابل واژه *Symmetric Warfare* که در لغت به معنی قرینه دار، متقارن و یا متناسب است آورده شده است. در واقع جنگ نامتقارن در منابع غربی به شرح زیر بیان شده است: «در حوزه نظامی و امنیت ملی، عدم تقارن یا نامتقارنی یعنی اقدام، سازماندهی و تفکری متفاوت با دشمنان، به روشی که برتری و توانمندیهای خودمان را به حداکثر رسانده، از نقاط ضعف دشمنان بهره برداری نموده، ابتکار عمل را در دست گرفته و یا اینکه آزادی عمل بیشتری را کسب نمائیم.» (۲:۵)

اگرچه جنگ نامتقارن در بین صاحب نظران علوم نظامی به معنای شناخت نقاط ضعف و آسیب پذیری دشمن و اجرا و بکارگیری برتری و نقاط قوت و تک به این نقاط ضعف به نحوی که دشمن پیش بینی نکرده باشد، بیان شده است اما نظریه جنگ نامتقارن و بزرگ‌نمایی آن به خصوص بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر در واقع راه حلی بود برای توجیه منطق کاربرد زور توسط آمریکایی‌ها چرا که وجود شکاف عمیق استراتژیک در توان کمی و کیفی قدرت نظامی آمریکا با کشورهایی که آمریکا آنها را دشمن می‌خواند به حدی بود که بدون یک توجیه برای قانع کردن افکار عمومی می‌توانست عملکرد آمریکا را نزد افکار عمومی با چالش مواجه سازد لذا نظریه جنگ نامتقارن در اینجا به کمک آمریکایی‌ها آمد، بدین معنا که آنها مطرح کردند که: برخی از بازیگران ضعیف و

متوسط عرصه بین‌المللی به قابلیت‌هایی دست یافته‌اند که به آنها اجازه می‌دهد بازیگران قویتر از خود را به سادگی دچار بحران سازند. بر این مبنا نوعی خاص از فضای «نامتقارن» پدید آمده که متوجه قدرت‌های برتر بود و قدرت‌های متوسط و ضعیف از آنها در امان هستند. به عنوان مثال توسعه روزافزون شبکه رایانه‌ای در کنترل پرواز و یا توزیع آب شرب سالم در کشورهای توسعه یافته، منجر شد تا خطر نفوذ به درون این شبکه از طریق رایانه و ایجاد اختلال در آن فزونی گیرد، حال آنکه در کشوری مانند افغانستان که چنین شبکه‌ای وجود ندارد و کارها به صورت انسانی انجام می‌شود عملاً این تهدید معنا ندارد. در مجموع جنگ نامتقارن با تجربه ۱۱ سپتامبر، دلالت بر این دارد که امنیت ملی کشورهای ابرقدرت از سوی قدرت‌های ضعیف‌تر تهدید می‌شود و البته آنها با کمک ابزار رسانه‌ای به بزرگنمایی آن پرداخته و یک تصویر مجازی مطابق آنچه دلخواه خودشان بود خیلی بزرگتر از واقعیت از این خطر نزد افکار عمومی ایجاد کردند و بدین وسیله کاربرد نیروی نظامی را بر علیه حتی گروه‌های شبه نظامی توجیه پذیر ساختند.

۳ - آماد و پشتیبانی (لجستیک)

واژه آماد و پشتیبانی معادل لجستیک است. در گذشته این واژه به صورت لجستیک بیان می‌شد که در سالهای اخیر معادل فارسی آن یعنی آماد و پشتیبانی جایگزین گردید. واژه لجستیک از صفت یونانی لوگستیکوس^۱ به معنی ماهر در محاسبه مشتق شده است. در دوره‌های امپراتوری روم و بیزانس، لاگستا مأموری بود که این مهارت را به عنوان بخشی از حرفه خود به کار می‌گرفت. اصطلاح لجستیک^۲ در مفهوم وسیعتر و مدرنتر آن، ابتدا در نظریه جنگ جومینی مورد تأکید قرار گرفت:

جومینی در توضیح مثلث استراتژی، تاکتیک و لجستیک و یا ارتباط متقابل آنها با یکدیگر، لجستیک را به عنوان وسایل و ترتیباتی توصیف می‌کند که به مورد اجرا گذاشتن استراتژی و تاکتیک را میسر می‌سازد. همچنین آماد و پشتیبانی در جامعترین معنای آن به جنبه‌هایی از عملیات نظامی اطلاق می‌گردد که به موارد زیر ارتباط می‌یابد:

^۱ . Logistikos

^۲ . Logistics

- طراحی و توسعه، دریافت کردن، انبار کردن، حرکات، توزیع، نگهداری، اخراجات و تهیه اقلام و وسایل.

- ترابری و تخلیه، بستری کردن افراد.

- دریافت یا ساخت، نگهداری و تهیه تسهیلات.

- دریافت یا آماده نمودن خدمات. (۳:۳۰۱)

لجستیک امروزه در حوزه های صنعتی و بازرگانی وارد شده است. هم اکنون این واژه در دو حوزه نظامی و غیرنظامی کاربردی وسیع پیدا نموده و مفاهیم و کارکردهای آن در هر دو حوزه، ضمن بهره برداری متقابل از رشد قابل توجهی برخوردار گردیده است.

۴ - آماد

عبارت است از کلیه لوازم، اقلام و تجهیزاتی که برای نگهداری، عملیات رزمی و اداری یکانهای ارتش پیش بینی شده است و در حال حاضر در ۱۰ گروه به شرح زیر طبقه بندی شده است؛

طبقه ۱: جیره و علیق.

طبقه ۲: اقلام غیر عمده، جداول سازمان و تجهیزات و جداول سهمیه و توزیع.

طبقه ۳: مواد نفتی؛ انواع سوخت مایع، گاز و جامد، انواع روغنها و...

طبقه ۴: مصالح ساختمانی و کلیه وسایل نصب شده در ساختمان و مصالح سد و موانع.

طبقه ۵: انواع مهمات و مواد منفجره، ماسوره ها، چاشنیها و سایر اقلام وابسته.

طبقه ۶: اقلام مورد نیاز شخصی مثل صابون، البسه غیر نظامی و...

طبقه ۷: اقلام عمده؛ مانند تانک، وسایل پرنده، پرتاب کننده ها، خودروها و جنگ افزار.

طبقه ۸: اقلام بهداشتی، اقلام پزشکی، دندانپزشکی، دامپزشکی و قطعات یدکی بهداشتی.

طبقه ۹: قطعات یدکی؛ کلیه اقلام یدکی به استثنای قطعات یدکی طبقه ۸.

طبقه ۱۰: وسایلی که جهت پشتیبانی از برنامه های غیرنظامی به کار می رود مانند وسایل

توسعه کشاورزی و...

تجزیه و تحلیل :

در یکی دو دهه اخیر از جانب نظریه پردازان و صاحب نظران نظامی و حتی سیاسی عبارتهای جنگهای نوین، جنگهای مدرن^۱، جنگهای تمیز و جنگهای آینده در ادبیات مرتبط با امور نظامی اعم از گفتاری و یا نوشتاری در مقاطع مختلف زمانی به منظور بیان تغییرات و تحولات بوجود آمده در ماهیت جنگها و منازعات انسانی مطرح شده است. اما مراد هر یک از آنها در استفاده از این مفهوم گرچه دارای مشترکاتی بوده اما متناسب با مقطع و شرایط زمانی خاص خود و با دیدگاههای متفاوتی بیان شده است. ماهیت جنگها هم پا به پای تحولات بنیادی در ماهیت سایر پدیدههای اجتماعی و فرهنگی، علمی و فناوری، اقتصادی و سیاسی در حال دگرگونی بوده است، این دگرگونی گاه در قالب بیانی تازه و در حوزه بازاندیشی نمودار شده و گاه حاصل هم افزایی علوم مختلف و نو اندیشی های صورت گرفته در چارچوب نظریات جدید رخ نموده است.

«در چند دهه اخیر شکل جنگ به مرور تغییر یافته و این تغییر مدتهای مدیدی از دید ناظران سیاسی پنهان مانده است به نظر می رسد که جنگهای کلاسیک بین کشورها - که سناریوی جنگ سرد از آن متأثر بود- به تاریخ پیوسته است... شکل تأمین هزینه در جنگهای نوین هم با جنگهای کلاسیک بین کشورها همواره متفاوت است». (۱۸ : ۴) نمایش صحنه های «جنگ الکترونیکی» یا به اصطلاح، جنگ تمیز در حمله ایالات متحده به عراق با استفاده از رایانه های عملیاتی مختل کننده اعمال دشمن و بمبهای هوشمند نابودکننده عملیات ترابری و عبور و مرور تانکها، کامیونها و توپهای جنگی موجب فلج شدن آتشیهای پشتیبانی و عملیاتیهای آماد و پشتیبانی عراق شد.

الف- منظر نخست مشخصه فناوری تسلیحاتی و تأثیر علوم و فناوری در جنگ

از این منظر جنگهای آینده با سرعت و تحرک بسیار بالا در صحنه های سیال میدان رزم با بکارگیری تجهیزات مجهز به آخرین دست یافته های فناوری بشری، اشکال جدید و متفاوتی از جنگهای تجربه شده را خبر می دهد. با افزایش سرعت جابجایی و تحرک یکانها، شدت جنگها و توسعه گستره جغرافیایی جنگ، صحنه های درگیری محدود به برخورد یکانهای رزمی دو طرف با یکدیگر نخواهد بود، بلکه عمق کشور و تأسیسات زیربنایی بخصوص آن دسته که در ارتباط با

¹ Modern Warfare

یکانه‌های نظامی است از اولین اهداف جنگ خواهد بود و جنگ همزمان با سطح زمین در فضا نیز به شدت دنبال می‌شود بنابراین امکان پشتیبانی کردن یکانه‌های رزمی از طریق راه‌های ارتباطی به آسانی میسر نخواهد شد و هر نوع حرکت عادی نظامی به کمک ابزارهای مدرن به راحتی قابل کشف خواهد بود. باری بوزان بر پنج حوزه قابل شناسایی در فناوریهای تسلیحاتی جنگهای آینده در زمینه‌های قدرت آتش، تحرک، ارتباطات، محافظت و اطلاعات تأکید دارد. (۵:۱۹)

تافلر نیز در کتاب «جنگ و پاد جنگ» بر ویژگیهایی همچون تنوع و دگرگونی، غیر انبوه سازی، برخورداری از پایه‌ها و زیر ساخت‌های غیر نظامی، سرعت عمل و تحرک، قدرت تخریب، انسجام و پیوستگی، فناوریهای حفاظتی و حجم و دقت بالای آتش به عنوان مشخصه‌های اصلی فناوری‌های نظامی در جنگهای پست مدرن تأکید دارد. (۱۱۶-۱۲۰:۶)

ب- منظر دوم تفاوت در استراتژی‌های نظامی جنگهای آینده

اگر استراتژی نظامی را «فن و علم بکارگیری نیروهای مسلح برای دولت، جهت دستیابی به اهداف سیاسی، ملی از طریق بکارگیری نیروها یا تهدید به استفاده از آن» بدانیم؛ (۱۴:۷) استراتژی‌های نظامی در جنگهای آینده به شرح ذیل خواهد بود:

۱- انعطاف پذیری به میزان بالا با توجه به نامشخص و متغیر بودن محیط و تهدید در جنگ آینده.

۲- گسترده شدن صحنه‌های عملیات و رزم.

۳- انطباق سطوح سه گانه تاکتیک، عملیات و استراتژی.

۴- محوری شدن نقش اطلاعات و توجه زیاد به ضد اطلاعات.

۵- توجه خاص به افکار عمومی بویژه توجه خاص به رسانه‌های گروهی برای همراه ساختن افکار عمومی در سطح داخلی و بین المللی.

۶- آمادگی درگیری و مقابله با جنگ نامنظم و نامتقارن.

۷- توجه زیاد به جنگ بدون نفر با تقدم و بهره‌گیری از موشک‌های دور پرواز، هواپیماهای بدون سرنشین هدایت شونده و قدرت آتش از راه دور و بکارگیری هواپیماها با سلاحهای هوشمند و پرتاب شونده از دور برای انهدام زیرساختهای کشور هدف و به زانو در آوردن آن قبل از ورود نیروها.

ج- منظر سوم عدم تقارن سیاست جهانی و استراتژیهای نامتقارن سازی

پدیدار شدن عدم تقارن در سیاست جهانی بواسطه برتری آشکار و بلامنزاع آمریکا در حوزه‌های اقتصادی، فناوری، نظامی و فرهنگی، صنعتی با نامتقارن شدن جنگ از طریق جابجایی مناطق جنگی، تغییر تعریف ابزار جنگ و استفاده از منابع جدید همراه بوده است. عدم توازن در توان نظامی (دشمن) برای تهدید، استراتژی نظامی تهدید شونده را دستخوش دگرگونی نموده است؛ یکی از قدمهای اولیه و بزرگ در این جهت توسل دوباره به استراتژی جنگ چریکی و استفاده قاعده‌مند از تاکتیکهای جنگهای نامنظم در استراتژی نظامی است از این منظر جنگهای آینده بیشتر به شکل پارتیزانی (نامنظم) و با بهره‌گیری از شیوه‌های مبتکرانه چریکی توانائی‌های اقتصادی، نظامی دشمن را هدف قرار داده و مبنای آن به حداکثر رساندن هزینه جنگ برای طرف مقابل است. (در این استراتژی باید قابلیت انجام تهدید علیه دشمن را همواره حفظ کرد. « چریکها اگر از نظر نظامی شکست نخورند، از لحاظ سیاسی در جنگ پیروز خواهند شد، در حالی که دشمنان آنها اگر به پیروزی نهایی نظامی دست نیابند جنگ را هم از نظر سیاسی و هم از نظر نظامی باختند» (۸:۱۳)

بنابراین در جنگهای آینده حداقل یکی از طرفین درگیر، ارتش حرفه‌ای خواهد بود که با بکارگیری پیشرفته‌ترین سلاح‌های ساخته شده دست بشر و با برخورداری از فناوری اطلاعات در صحنه رزم با تأکید بر قدرت آتش، سرعت و دقت تلاش دارد جنگ را در کوتاهترین زمان ممکن به سرانجام برساند.

به دلیل عدم توازن قوا در رویارویی با تهدید، محور عمل نیروهای مسلح ما بر عملیات نامنظم گذاشته خواهد شد البته نیروهای جنگ کلاسیک نیز فراموش نمی‌شوند اما این نیروها نیز باید خود را آماده بکارگیری تلفیقی از شیوه‌های نبرد منظم و نامنظم سازند که در این صورت سیستم موجود آماد و پشتیبانی نیروی زمینی توانایی لازم برای پشتیبانی یکانهای نیروی زمینی در چنین جنگهایی را نخواهد داشت و این عدم توانایی به خاطر این است که اساساً سیستم موجود برای چنین جنگهایی طراحی و پیش بینی نشده است و لازم است شیوه‌ها، روشها و ساختار جدیدی متناسب با این وضعیت پیش بینی و بکار گرفته شود.

آماد و پشتیبانی یک فرآیند برنامه ریزی شده و اجرای فعالیتهای مربوط به آماده نگاه داشتن نیروها و پشتیبانی از عملیات نظامی است. این فعالیتها شامل: طرح ریزی، گسترش، درخواست، انبارداری، حمل و نقل، تجهیز کردن، توزیع، تخلیه و تدارک، سرویسهای صحرائی، تعمیر، نگهداری و پشتیبانیهای فنی است (که البته همه این فعالیتها در قالب ۵ وظیفه عمده مطرح می شود) بدین ترتیب عملیات آماد و پشتیبانی در سرتاسر میدان رزم و کارزار نیروهای رزمنده گسترش داشته و قبل از جنگ آغاز شده و پس از آن نیز ادامه دارد. بدون شک برنامه ریزیها، پیش بینیها و اقدامات آماد و پشتیبانی قبل از آغاز جنگ پایه و اساس تمام فعالیتها برای زمان جنگ و بحرانهای ناشی از آن است.

هرچه این پیش بینیها و برنامه ریزیها با آن واقعیتی که در جنگ احتمالی آینده بروز می کند مطابقت بیشتری داشته باشد امکان موفقیت آن فزونی یافته و به همان نسبت تأثیرگذاری آن در توانمندسازی نیروها افزایش می یابد. هنر مدیریت استراتژیک در این است که بتواند حتی الامکان واقعیات آینده را ترسیم و تصویر نموده و روشها و راهکارهایی ارائه دهد که راهنمای عملکرد سازمانها در آینده فراروی خود باشد. از سوی دیگر همچنانکه استفاده از غافلگیری از اصول و شرایط مهم برای موفقیت هر استراتژی نظامی به شمار می آید در گیر شدن در جنگی که از قبل برای آن آمادگی وجود ندارد نیز از شرایطی است که کابوس شکست و نابودی را در ذهن دولتمردان ایجاد می کند و ضرورت آینده نگری و سناریوسازی برای این پدیده را مطرح می سازد از این رو از اساسی ترین مباحث در سیاست دفاعی هر کشور که تأثیر اساسی و تعیین کننده ای در بسیاری از عرصه های استراتژیکی و دفاعی کشور دارد، جنگ آینده و مسائل مربوط به آن است. اصولاً بسیاری از سرمایه گذارهای گسترده، بکارگیری هزاران نفر از انسانهای آموزش دیده و کارآمد، بودجه های دفاعی، آموزشها، سازماندهی ها، بخش اعظم مطالعات استراتژیک و حتی اتحادها و قراردادهای دفاعی و امنیتی باید بر مبنای تصویری باشد که بر اساس واقعیتهای علمی از جنگ یا جنگهای آینده در اندیشه تصمیم سازان و تصمیم گیرندگان وجود دارد. به تعبیری دیگر جنگ آینده راهنمای تمامی فعالیتهای دفاعی و نیروهای مسلح است. عدم ترسیم تصویر روشنی از جنگ آینده می تواند موجبات سردرگمی و به هدر رفتن

سرمایه گذاریهای مالی و انسانی هنگفتی شود. لذا یکی از وظایف مهم فرماندهان نظامی در سطوح عالی تولید سناریوها و طرحهای مختلف عملیاتی و ارزیابی نتایج احتمالی آنها برای انجام عملیات در مقابله با دشمنان احتمالی است و امروز بیشتر رزمایشها و تمرینات نظامی که کشورها در زمان صلح انجام می دهند براساس همین سناریوهای فرضی است. اما تمام اهمیت و ضرورت تجسم و ترسیم جنگ آینده برای آن است که قدم مهم و اساسی دوم را برداریم و آن اینکه چگونه در مقابل آن عمل کنیم. هر عملیات، پروژه و برنامه با هر محتوا و هدفی اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی مخصوص نظامی، تنها در صورت وجود پیش بینی و تأمین پشتیبانیهای لازم مالی، اقلام، تجهیزات، امکانات و سایر نیازمندیها به نتیجه خواهد رسید و بدون در نظر گرفتن اصل پشتیبانی و اهمیت ندادن به آن عقیم مانده و دچار کاستی و شکست می شود.

فرماندهان با درایت به موازات طرحهای عملیاتی و تاکتیکی به طرحهای پشتیبانی نیز توجه می کنند چرا که آنها می دانند طرحهای آنها تنها در صورت وجود یک سیستم پشتیبانی (لجستیکی) که بتواند بموقع و مناسب نیازمندیهای آنها را به پای کار آورد موفق خواهد شد. اجرای هر کدام از بخشهای پشتیبانی شامل نگهداری، تعمیرات، ترابری، بازیافت، خرید، تأمین و توزیع اقلام مورد نیاز در محیط کاملاً متغیر در جنگهای آینده نیاز به برنامه ریزیهای دقیق دارد. استفاده از عناصر پشتیبانی در تأمین اقلام و امکانات و تغذیه و نقل و انتقال اقلام و نیروی انسانی بشر را در مسیر مشکل حفظ بقا و حیات خود و نسل و تمدن مربوط به خود یاری نموده و فرماندهی که با اندیشه ژرف و دوراندیشی به این موضوع پرداخته است در کسب نتیجه مطلوب، موفقتر و کامیاب تر بوده است. با توجه به پیشرفت همه رشته های علوم و ورود علوم جدیدی همچون رایانه و الکترونیک و بکارگیری انرژیهای جدید (هسته ای، لیزری و...) در جنگهای اخیر نقش فناوری و کاربرد علوم جدید و تکنیکهای بدیع بسیار چشمگیر و غیر قابل انکار بوده است. در جنگهای آینده، سیستمهای نظامی حداقل از ویژگیها و خصوصیات ذیل برخوردار خواهند بود:

الف - به علت کنار گذاشتن الگوی سلسله مراتبی (متمرکز) و روی آوردن به الگوی شبکه ای (غیرمتمرکز)، دگرگونی ماهوی در ساختار سیستمهای نظامی در حال تکوین است (البته منظور غیرمتمرکز در اجرا است). (۹:۱۷)

ب - آمادگی کوچک سازی و گسترش متناسب با محیطهای مختلفی که جنگ آینده در آن رخ خواهد داد.

ج - سامانه های جدید کشورهای پسا صنعتی، به شدت به فناوریهای پیشرفته مثل ماهواره ها، برای کسب اطلاعات و کامپیوترها، برای پردازش و تجزیه و تحلیل آنها متکی خواهند شد.

د - با توجه به انقلاب عظیم در فناوری، ساختار و سازمان نیروهای مسلح در هدایت، کنترل و فرماندهی عملیاتها احتمالاً در معرض دگرگونیهای عمیق کمی و کیفی قرار خواهد گرفت.»

با این نگرش اگر آماد و پشتیبانی (لجستیک) بخوبی برنامه ریزی و اجرا شود، اثر تعیین کننده ای در پیروزی و نقشی کلیدی در آمادگی رزمی خواهد داشت. عکس این مطلب نیز صادق است. اهمال و سهل انگاری در پشتیبانی و آماد رسانی ممکن است به سرعت آنچه را که به نظر نیروی نظامی قدرتمند می رسد، به مجموعه ای از افراد بیمار و بی روحیه مبدل کند، هرچند به عنوان رزمنده آموزش دیده باشند اما قادر به حرکت، تیراندازی و یا برقراری ارتباط نخواهند بود. این ملاکی برای تضعیف روحیه به میزانی فاجعه بار و فقدان اعتماد نسبت به فرماندهان، کارکنان پشتیبانی و نیروها و شاید خیلی سریع به سلاحها و تجهیزات و توانائیشان برای نبرد است. «رومل» در مورد لجستیک می گوید: "نخستین شرط اساسی برای یک ارتش، بدین منظور که بتواند در برابر فشار نبرد مقاومت کند، داشتن ذخیره ای کافی و مناسب از تسلیحات، بنزین و مهمات است. در واقع نبرد پیش از آنکه تیراندازی آغاز شود به وسیله لجستیکی ها در می گیرد و به نتیجه می رسد. " (۴۸:۱۰) ترکیب نیروی نظامی و دکترین و روشهای عملیاتی آن هر چه باشد، دست اندرکاران لجستیک و رده های پشتیبانی و آماد، مسلماً دارای مسئولیت سنگین، پیوسته و اجتناب ناپذیری هستند و آن مسئولیت پیش بینی و فراهم آوردن نیازهای روزمره کسانی است که پایدار نگاه داشتن آنها وظیفه اصلی آماد و پشتیبانی (لجستیک) را تشکیل می دهد. نیروها چه تحت محاصره باشند، یا در حال انجام عملیات محاصره و یا در حال راه پیمایی، چه در حال حمله باشند و یا در حال

دفاع، چه در حال پیشروی باشند و یا در حال عقب نشینی، چه درگیر جنگ کلاسیک باشند یا اجرای یک جنگ نامنظم و یا جنگی نامتقارن، چه در خاک دشمن مشغول نبرد باشند و یا در سرزمین خود با متجاوز برخورد کنند، نیازمندی‌های آنها باید برآورد و تأمین شود. هرگونه ناکامی در انجام این کار بازتابهای روشنی دارد. در گذشته نیازمندی‌های نیروهای جنگی از پیش در انبارهای صحرایی و در نقاط آمادی ذخیره و گاه در ستونهایی از واگنها در پشت سر نیروهای رزمنده حمل می شد اما کار حرفه ای و قدیمی لجستیک نظامی، امروزه به مجموعه ای از خدمات، تسهیلات و سیستمهای پشتیبانی مدرن تکامل و تحول یافته اطلاق می شود که عرصه فعالیت آن به گستره محیط بین المللی است و گاه برخی از اقلام مورد نیاز یکانها از هزاران کیلومتر آن طرف تر تهیه شده و تا رسیدن به محل مورد نیاز مسیر طولانی را طی می کند و گاه بلوک بندیهای سیاسی و مواضع سیاسی کشورها از جمله چالشهای اجرای این سیستم محسوب می شود. از سویی پیشرفت و تکامل فناوری تسلیحاتی سرعت درگیری در جنگها را به شدت افزایش داده و صحنه جنگها را به وسعت محیط ملی کشورها گسترش داده است و همه گستره و حوزه فعالیت سیستم آماد و پشتیبانی برای تهیه و توزیع اقلام آمادی مورد نیاز نیروها را در بر گرفته و سیستمها و نیروهای فنی و متخصص درگیر در عملیات آماد و پشتیبانی را مستقیماً درگیر نبرد ساخته است. امروزه عملیات آماد و پشتیبانی مانند گذشته قادر نیست درحالیکه نیروهای رزمنده در میدانی مقدم نبرد درگیر جنگ هستند در عقبه براحتی عملیات آمادی را انجام دهد. بمبها و موشکهای هدایت شونده و هوشمند در جنگهای آینده قادرند نقاط آمادی و محلهای ذخیره اقلام و امکانات مورد نیاز نیروها را در لحظات نخستین نبرد مورد هدف قرار دهند و کشور مورد تهاجم را از امکان بهره برداری از این ذخایر محروم سازند.

ویژگیهای جنگهای آینده:

مطالعات نشان می دهد جنگ آینده احتمالی موضوعی است که تقریباً همه کشورها در طرح ها، برنامه و ملاحظیات دفاعی و امنیتی خود به آن پرداخته و بسته به نوع تهدیدی که در حریم امنیتی خود داشته اند آن را مطرح ساخته اند. اگرچه دیدگاههای مختلفی مطرح شده اما نهایتاً همه کشورها در مواردی اشتراک نظر دارند: اینکه در جنگهای آینده:

الف) فن آوریهای تسلیحاتی بسیار متفاوت از جنگهایی که تا کنون رخ داده است خواهد بود.

ب) جنگها در آینده کوتاه مدت، مستمر، سریع و شدید خواهند بود و قسمت عمده لوازم و زمینه های پیروزی یا شکست قبل از جنگ ایجاد می شوند.

ج) محیط جنگ آینده و جغرافیای جنگ متفاوت از گذشته خواهد بود.

د) زمان نقش کلیدی دارد.

ه) مردم دارای نقش محوری هستند و هزینه های جنگها بسیار بالا خواهد بود.

و) بدلیل شکاف استراتژیک قدرت بین بازیگران بین الملل نقش نبردهای نا متعارف و نا منظم در جنگها بسیار پررنگ خواهد بود و قدرتهای برتر در مقابله با شیوه های جنگ نا منظم و نا متعارف آسیب پذیر خواهند بود.

ز) مقاومت، شکیبایی، میل به از خود گذشتگی و شجاعت راههای موثری است برای مقابله با دشمنی که به فن آوری پیشرفته مجهز است و تمایل زیادی به درگیری طولانی و اگر آرمانی برای فدا شدن وجود نداشته باشد، هر طرف با هر اندازه توان دفاعی به اسانی شکست خواهد خورد. بنابراین وجود اراده جنگی، میل به دفاع و تمایل به جنگجویی کماکان مهمترین رکن قدرت دفاعی یک کشور را تشکیل می دهد.

ح) یکی از راههای مقابله با سلاحهای هوشمند در جنگهای آینده، تقسیم یگانهای بزرگ به یگانهای کوچک و متحرک است که خود بخود صحنه نبرد را افزایش خواهد داد.

ط) آتش و مانور خصوصا از طریق هوا در این جنگها همچنان حیاتی خواهد بود.

ی) تصرف و کنترل زمین همچنان به عنوان معیاری برای پیروزی مطرح است و نیروی زمینی محور ارتش را تشکیل خواهد داد.

ک) غیر قابل پیش بینی بودن حوادث و وضعیتهای بدلیل رویکرد نامنظم در جنگهای آینده.

بنابر مطالب گفته شده می توان ویژگیهای جنگهای آینده را به این شرح خلاصه کرد :

(۱) د ک ت ر ی ن ن ظ ا م ی د ر ج ن گ ه ا ی آ ی ن د ه :

«روح حاکم بر مجموعه اقدامات، جهت گیریهای نیروهای مسلح در یک دوره زمانی مشخص، د ک ت ر ی ن ن ظ ا م ی ی ک ک ش و ر را ت ش ک ی ل می د ه د.» (۱۱:۲۱) به همان میزان که د ک ت ر ی ن ن ظ ا م ی م ت ا ث ر از ن ظ ا م ا ر ز ش ی، ت ج ا ر ب ت ا ر ی خ ی، ش ر ا ی ط و م ق ت ض ی ا ت ر و ز، م ا ه ی ت ج ن گ ه ا ی ه ر ع ص ر و ... است ب ر ش ی و ه ج ن گ ی د ن، س ا خ ت ا ر ن ی ر و ی ی و ف ن ا و ر ی ت س ل ی ح ا ت ی م و ر د ن ی ا ز ب ر ا ی ج ن گ ه ا ی آ ی ن د ه ی ک ک ش و ر ن ی ز ت ا ث ی ر گ ذ ا ر است. ب ه ج ز ت ع د ا د م ح د و د ی از ع و ا م ل ث ا ب ت، س ا ی ر ع و ا م ل ت ا ث ی ر گ ذ ا ر ب ر د ک ت ر ی ن

نظامی کشورها متغیر است و به همین دلیل دکترین نظامی یک کشور با وجود کند بودن تحولات احتمالی در آن امری پویا و سیال است و طبیعتاً در دکترین نظامی هر کشوری علی رغم ثبات نسبی نظام ارزشی و آرمانی، میل به تغییر دیده می شود و این خود منجر به تغییر و تحول در سیاست نظامی آن کشور، با توجه به سه پارامتر ابزار، ساختار و شیوه جنگیدن در آینده خواهد شد. در مجموع بین دکترین نظامی و جنگ آینده ارتباطی دوسویه برقرار است و بین این دو مفهوم، تعاملی انکارناپذیر وجود دارد. از یک طرف دکترین نظامی هر کشور علاوه بر تأثیرپذیری از عوامل مختلف دیگر، از چگونگی نگرش یک نظام و مسئولین آن به ماهیت جنگ آینده تأثیر می پذیرد و از طرف دیگر نیز بر چگونگی مواجه شدن یک کشور با جنگ آینده اش تأثیر قاطعی دارد.»

(۲) استراتژیهای نظامی جنگهای آینده و الگوهای رایج در تدوین این استراتژیها :

با هر رویکردی که به مفهوم جنگ آینده نگریسته شود، لازم است تا متناسب با آن به تدوین استراتژی نظامی مورد نیاز کشور هم پرداخته شود. اگرچه تدوین استراتژی، برخلاف سناریوپردازی مستلزم رسیدن به یک دسته امور واقعی و نه ذهنی است، اما صرف نظر از حوادث نامعلومی که در آینده به وقوع خواهند پیوست، لازم است که رهبران سیاسی و نظامی، بدانند که در کدام جهت گام برمی دارند و به دنبال چه هستند، از درون آینده ای نامعلوم و نامطمئن، استنتاج تهدید مشخص و عینی، امری به غایت دشوار است اما همانطور که کالین گری می گوید: " اتخاذ یکسری اصول برای برنامه ریزی و تدوین استراتژی اجتناب ناپذیر می باشد." (۱۲:۲۰۳)

وی معتقد است با این فرض که در آینده هر تحولی امکان پذیر خواهد بود، لازم است تا اصول زیر در برنامه ریزی دفاعی کشورها مورد توجه قرار گیرند:

الف - رویارویی با حقایق و پذیرفتن جهل خود نسبت به آینده؛

ب - بکارگیری اولویتهای ژئواستراتژیکی در برنامه ریزی خطا پذیر؛

ج - مجموعه ای از توالی کوتاه مدت اهداف و برنامه های دراز مدت؛

د - لزوم انعطاف پذیری نیروهای مسلح، برای سازگاری با موقعیتهای متغیر؛

ه - درس گرفتن از گذشته، با توجه به غیر قابل پیش بینی بودن امور و تغییرات مداوم در

دوستیها و دشمنیها؛

و - لزوم هماهنگ ساختن امکانات با اهداف کشور؛

ز - آزمون مداوم فرضیات مبتنی بر عقاید پیشین و شکل دهی مجدد به اصول مبتنی بر دکترین و چارچوب سیاسی جاری کشور بر پایه این اصول» (۱۳:۳۷۰)

لازم است تا همواره از شناخت روندها و داده‌ها گامی فراتر نهاده و سعی بیشتری در فهم عواقب روندها و بازده‌ها صورت پذیرد. تحلیل روندها خود متأثر از دو عامل اساسی فرهنگ استراتژی یک کشور و عقاید، نگرشها و دستورالعملهای متداول آن است که باید به آنها توجه کافی و لازم را مبذول داشت. علاوه بر آن، تدوین استراتژی دفاعی کشور آنگاه معنا می یابد که در بین تصمیم گیرندگان سیاسی - نظامی کشور، در میانی و منبع تهدید آینده کشور، اتفاق و اجماع نظر وجود داشته باشد. گرچه در مورد جزئیات و چگونگی مواجهه با آن، چنین چیزی ضروری نیست. بطور کلی کشورهای مختلف در تدوین استراتژی نظامی خود برای چگونگی مواجهه با جنگ آینده، از الگوهای رایج که انتخاب هر کدام از آنها متأثر از دکترین نظامی، موقعیت در نظام بین المللی و میزان تواناییها و امکانات کشور مورد نظر می باشد، به شرح ذیل بهره می گیرند:

الف - الگوی هدف محور^۱

در این الگو، هر کشوری در عرصه بین المللی، متناسب با اهداف و آرمانهای خود به تدوین استراتژی خویش مبادرت می ورزد. دایره و فضای جغرافیایی چنین استراتژیهای ممکن است در چارچوب مرزهای بین المللی و یا فراتر از آن در سطح منطقه ای و جهانی قرار داشته باشد، معمولاً نظام‌های سیاسی که داعیه جهانی دارند از چنین الگویی پیروی می کنند. در این الگو، اهداف اصلی سیاسی یا ایدئولوژیک نظام، محور قرار گرفته و عواملی همچون امکانات و مقدرات باید خود را با آن هماهنگ سازند. استراتژی‌های نظامی هدف محور معمولاً تهاجمی بوده و حالت اقدام دارند تا بازدارندگی.

¹ Goal- Base Pattern

ب- الگوی تهدید محور^۱

برخی کشورها استراتژی نظامی خویش را نه مبتنی بر اهداف، بلکه بر اساس تهدیداتی که متوجه امنیت آنهاست تنظیم و تدوین می نمایند، این استراتژیها بیشتر حالت تدافعی داشته و بر پایه بازدارندگی استوارند. شناخت منبع و ماهیت تهدیدات و تعیین اولویت بین آنها (در صورت وجود بیش از یک تهدید) و نهایتاً فراهم ساختن مقدمات و امکانات موردنیاز برای مقابله با تهدیدات مورد نظر، مراحل و شرایط اساسی در تدوین استراتژی نظامی تهدید محور می باشد.

ج - الگوی توان محور^۲

این الگو دارای مبانی نظری پراگماتیستی است چگونه استراتژی نظامی ارتباط مستقیمی با میزان توان و قدرت کشور دارد. توان و قدرت به معنای اعم (نظامی، سیاسی، اقتصادی و ...) مد نظر می باشد. در حقیقت بودجه (به عنوان سند کارکرد دولت) و توان کشور، چراغ راهنمای استراتژی است و متناسب با نوسانات آن، استراتژی نظامی نیز احتمالاً تغییر جهت و ماهیت پیدا خواهد کرد.

کشورهایی که از این الگو در تدوین استراتژی نظامی خویش پیروی می کنند، در صورتی که بین توانایی و امکانات خویش و تصویری که از جنگ آینده و تهدید خویش دارند، ناهمگونی و عدم توازن را ببینند، تمایل دارند تا برای مواجهه با تهدید آینده به سایر استراتژیهای غیرنظامی خویش روی آورند.

د- الگوی ترکیبی^۳

با توجه به محدودیت و مشکلات الگوهای یادشده اخیراً سیاستگذاران و استراتژیستهای نظامی به سوی اتخاذ الگوی ترکیبی و تلفیقی گرایش پیدا کرده اند. با توجه به تنوع و تعدد تهدیدات ناشناخته و نیز لزوم پیگیری اهداف برای کسب مشروعیت داخلی و بروز نوسانات احتمالی در تواناییها و امکانات، برخی کشورها تمایل دارند تا برای پاسخگویی به جنگ آینده خود، در تدوین استراتژی نظامی خویش از الگوی ترکیبی بهره گیرند. براساس این الگو استراتژی نظامی برای کسب آمادگی لازم جهت انجام مأموریتهای نظامی مورد نیاز، می بایست توسط نیروهای

^۱.Threat – Base pattern

^۲.Capacity- Base Pattern

^۳.Composition Pattern

مسلم و در چارچوب اهداف و منافع کشور و نیز در مقابله با تهدیدات مختلف، طراحی و تدوین شود.

(۳) فناوریهای تسلیحاتی جنگهای آینده

یکی از عوامل اساسی که در خصوص جنگهای آینده مورد توجه ویژه صاحبان نظر قرار گرفته و با تأکید بر آن ماهیت جنگهای آینده را نسبت به جنگهای پیشین متمایز می سازد، ویژگی منحصر به فرد فناوریهای نوین بکار گرفته شده در این جنگ می باشد.

باری بوزان^۱ "بر پنج حوزه قابل شناسایی در فناوریهای تسلیحاتی آینده در زمینه قدرت آتش، تحرک، ارتباطات، حفاظت و اطلاعات تأکید دارد." (۱۴:۲۱)

جی. ای. سینگ^۲ در این زمینه به فناوریهای نظامی قابل بکارگیری در ضربات ایستگاهی دقیق، فرماندهی، کنترل و اطلاعات پیشرفته، جنگ اطلاعاتی و جنگ غیرکشنده اشاره دارد. (۱۵:۲۱)

- تاfler^۳ در کتاب «جنگ و پادجنگ» بر ویژگیهایی همچون تنوع و دگرگونی و غیرانبوه سازی، برخورداری از پایه ها و زیرساختهای غیرنظامی، سرعت عمل و تحرک، قدرت تخریب، انسجام و پیوستگی فناوریهای حفاظتی و حجم بالای آتش به عنوان مشخصه های اصلی تکنولوژیهای نظامی در جنگهای آینده (پست مدرن) تأکید دارد. (۱۶:۲۱)

- بطور کلی فناوریهای تسلیحاتی جنگهای آینده در چهار دسته قابل شناسایی هستند: (۱۷:۲۱)

الف - فناوریهای اطلاعاتی

بر اساس این نوع فناوریها که منتج به دریافت، پردازش انتقال و توزیع اطلاعات در کمترین زمان ممکن است، می توان جنگهای اطلاعاتی چون جنگ فرماندهی و کنترل^۴، جنگ هوشمند، جنگ الکترونیک و جنگ رایانه ای اشاره کرد.

^۱ Bary Bozan

^۲ J.A.Sing

^۳ Tafler

^۴ Command and Control Warfare

ب - فناوریهای نرم افزاری

نرم افزارها گرچه محصول تفکر انسانها هستند اما این قابلیت را دارند که پس از طراحی فارغ از محدودیتهای انسانی به ایفای نقش در صحنه جنگها پردازند.

ج - فناوریهای سلاحهای کشتار جمعی

بر خلاف سلاح هسته‌ای که فناوری آن در اختیار تعداد محدودی از کشورهای دنیا می باشد، دسترسی به فناوری سایر سلاحهای کشتار جمعی نظیر سلاحهای شیمیایی و بیولوژیکی برای اکثر کشورها چندان مشکل نیست فناوری این سلاحها حربه‌ای در دست برخی از کشورها برای جبران عقب ماندگیهای خویش در سایر زمینه‌های فناوریهای تسلیحاتی محسوب می شود و به همین خاطر قدرتهای بزرگ و صاحبان فناوریهای پیشرفته تسلیحاتی از احتمال آسیب دیدن خویش در این عرصه‌ها به شدت نگران هستند.

د - فناوریهای سلاحهای متعارف

هر چند جنگهای آینده بیشتر بر سه دسته از فناوریهای ذکر شده مبتنی است اما این به هیچ وجه به معنای سکون و ایستایی سلاحهای متعارف نیست. همگام با سایر فناوریهای تسلیحاتی، روز به روز بر کارآیی و اثربخشی فناوریهای مربوط به سلاحهای متعارف افزوده می شود و بعضاً سطح فناوری این سلاحها در جنگهای آینده بطور کلی با گذشته متفاوت خواهد بود.

ژئوپلیتیک جنگ آینده از دیدگاه غربی ها

جهانی که هر لحظه آستان جنگی جدید است به لحاظ ژئوپلیتیکی ممکن است پدیده‌ای نامشخص باشد، اما به هیچ وجه غیر قابل درک نیست. شرایط کنونی جهان بسیار شبیه اواخر قرن نوزدهم به نظر می رسد. همانند آن زمان، موتورهای اساسی پیشرفت اقتصادی، همان ملت‌های مرفه اروپای غربی، آمریکای شمالی و حاشیه آسیا هستند و نیز روابط سیاسی میان این ملت‌های جهان اول نیز پایدارتر از روابط موجود بین قدرتهای عمده بعد از کنگره وین^۱ است، کنگره‌ای که آغازگر طولانی ترین دوره صلح پایدار میان قدرتهای بزرگ در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بود.

^۱ Congress of Vienna: یک کنفرانس بین المللی (بین سالهای ۱۸۱۴ تا ۱۸۱۵) که بعد از تبعید ناپلئون به جزیره ایتالیایی الب (Elba) در وین و به ریاست مترنیک (Metternich)، دیپلمات و سیاستمدار ایتالیایی برگزار گردید. هدف این کنفرانس حل و فصل مسایل ارضی و حفظ ثبات و نظم در اروپا بود.

پایندی به دموکراسی، وابستگی متقابل اقتصادی، پیوندهای فرهنگی و حافظه مشترک از دو جنگ جهانی وحشتناک، مجموعه ای از علایق مشترک بین دموکراسیهای توسعه یافته ایجاد کرده که احتمال وقوع جنگ میان آنها را تقریباً غیر قابل تصور ساخته است. (۱۸:۳۳)

اگرچه کشورهای توسعه یافته امروز برعکس قدرتهای بزرگ دوره ۱۳۰ ساله بعد از ناپلئون، بقیه جهان را تحت سلطه خود ندارند، ولی در عوض از یک طرف با کشورهای در حال توسعه ای مواجه اند که برخی از آنها نظیر روسیه به شکل مخاطره آمیزی در مرز تحقق آرزوی دیرینه اش مبنی بر پیوستن به جهان توسعه یافته و یا افتادن به کام فروپاشی سیاسی، اقتصادی و جمعیتی قرار دارند و از طرف دیگر با جوامع جهان سوم روبرو هستند که گرفتار فقر اقتصادی و مشکلات جمعیتی هستند. کشورهای هر دو گروه مایلند خود را بر اساس اصول مختلف سازماندهی کرده، مطابق ساختارهای متنوع دموکراسیهای توسعه یافته عمل کنند و در واقع روابط میان همین کشورهاست که امکان وقوع چالشهای نظامی آینده را بسیار محتمل می سازد.

اگرچه برخی کشورهای در حال توسعه به لحاظ اقتصادی در آستانه ورود به جهان توسعه یافته قرار دارند، ولی آزادی سیاسی و احترام به قانون، یعنی دو مؤلفه ای که در طول تاریخ مطمئن ترین عوامل پیشگیری از تجاوز بوده اند، لزوماً پا به پای رشد اقتصادی این کشورها رشد نکرده است. برخی از این کشورها نظیر چین، همچنان ادعاهای ارضی خود را نسبت به همسایگانشان تکرار می کند. همه این کشورها به دنبال دسترسی به مواد اولیه ای هستند که در واقع محرک توسعه است. بسیاری از آنان همچنان جنگ را به عنوان راهی مشروع برای تحقق اهدافشان می بینند. برای بسیاری از این کشورها توسعه قلمرو سرزمینشان، اگر هیچ دلیل دیگری نداشته باشد دست کم به لحاظ کسب وجهه همچنان یک تمایل اساسی است. تجاوز مسلحانه ممکن است تنها روش و یا حتی اولویت اول مورد نظر این کشورها نباشد، ولی اشغال خاک دیگران به ویژه برای کشورهایی با حکومتهای خود کامه، همچنان هدفی مشروع است و دموکراسیهای توسعه یافته نیز با توجه به منافع اقتصادی و راهبردی شان از تأثیرات آن بی نصیب نمی مانند.

در این بین، بخش عظیمی از جهان به لحاظ اقتصادی یا در حال رکود است یا در حال انحطاط. اگرچه ممکن است عواملی نظیر خشونت، رشوه خواری و یا کج فهمی دولتها، برخی از علت های بی واسطه این معضل باشند، ولی علل اصلی، ماهیت ساختاری دارند. بسیاری از کشورهای

در حال توسعه جهان به لحاظ اقتصادی برای امرار معاش همچنان به کشاورزی و استخراج مواد معدنی اولیه وابسته اند. در این میان، آشنایی با علم پزشکی نوین فقط انفجار جمعیت در این کشورها را شتاب بیشتری داده، شرایط اقتصادی و سیاسی آنها را به چالش گرفته است.

این جوامع به ابتدایی ترین اشکال جنگ گرایش دارند و در آنها جنگ داخلی تحت تأثیر رقابتهای قومی یا قبیله ای - عواملی که خود تابعی از رشد بی رویه جمعیت هستند- بطور فزاینده ای تشدید می شود. کشورهای پرجمعیت به شکل حساب شده ای همسایگان کم جمعیت خود را مورد تعرض قرار می دهند. پناهجویان فوج فوج به طرف مرزها سرازیر شده و دامنه خشونت را هرچه بیشتر توسعه می دهند اگرچه جنگ در جهان سوم ممکن است با نیروهایی نسبتاً ساده آغاز شود، ولی غالباً تا آنجا ادامه می یابد که از یک هدف استراتژیک آشکار نیز فراتر می رود؛ زیرا هدف آگاهانه این جنگها تا حدی کاهش جمعیت است. همانگونه که در وقایع رواندا، بروندي و زئیر شاهد آن بودیم، معمولاً فجایع جنگ - یعنی قحطی تعمدی، بی رحمی مفرط و قتل عام رخ می نماید.

کشورهای توسعه یافته معمولاً تلاش می کنند به نوعی در این درگیریهای غم انگیز مداخله نکنند. اما همانگونه که قبلاً دیده ایم، دیدن ترس و وحشت ناشی از نسل کشیها ممکن است غیرقابل تحمل باشد. همانگونه که در سومالی دیدیم، گاهی تلاشهای بشردوستانه نیز نتیجه معکوس دارد. همچنین فروپاشی هر یک از جوامع جهان سوم چه بر اثر علل داخلی یا تجاوز خارجی می تواند یک منطقه اقتصادی حیاتی را آنچنان بی ثبات کند که عدم مداخله در آن یک نوع بی احتیاطی باشد.

آخر اینکه همچنان با برخی چالشهای نظامی روبرو هستیم که از طرف گروههای غیردولتی تحمیل می شود و با هیچ یک از تقسیم بندیهای انجام شده بطور کامل مطابقت ندارد، ولی قابلیتهای نظامی و اهداف سیاسی، عقیدتی و یا اقتصادی آنها بگونه ای است که مقابله با آنها خارج از توان پلیس شهری می باشد. این گروهها به لحاظ تاریخی پدیده تازه ای نیستند، ولی دسترسی بالقوه آنها به فناوری پیچیده نظامی در حال حاضر بی سابقه است. این گروهها همچنان از مشکلترین مسائل نظامی خواهند بود که در مقابل قرار دارند.

منابع:

- ۱- گالین، گری (۱۳۷۸) «سلاح جنگ افروز نسبت» - ترجمه احمد علیخانی - انتشارات دوره عالی جنگ سپاه - تهران ص ۲۱۳-۲۲۳
- ۲- مجموعه مقالات جنگ نامتقارن، (۱۳۸۲) فرماندهی و ستاد آجا، انتشارات دافوس، ص ۵.
- ۳- رستمی، محمود، (۱۳۷۸) فرهنگ واژه های نظامی، انتشارات ارتش، ص ۳۰۱.
- ۴- مونکلر، هر فرید، (۱۳۸۰) جنگهای نوین، ترجمه حسین درگاهی، انتشارات دانشکده فرماندهی و جنگ سپاه، ص ۱۸ و ۱۹.
- ۵- باری بوزان، (۱۳۷۶) انقلاب در فناوری نظامی، ترجمه محب علی دینانی، ص ۱۹
- ۶- تافلر، الوین، (۱۳۷۸) جنگ و پاد جنگ، ترجمه مهدی بشارت، انتشارات اطلاعات، ص ۱۱۶ و ۱۰۲.
- ۷- ملک زاده کاشانی، احمد، (۱۳۸۳) استراتژی نظامی، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، ص ۱۴.
- ۸- اچ. اسکیلز، رابرت، (۱۳۸۴) جنگ آینده، ترجمه عبدالمجید حیدری، انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، دوره عالی جنگ، ص ۱۳.
- ۹- ایزدی، پیروز، (۱۳۸۰) لجستیک، انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، ص ۱۷.
- ۱۰- درویشی، فرهاد، (۱۳۸۱) جنگ آینده (ماهیت، ابعاد و مسائل)، فصلنامه دفاعی امنیتی، شماره ۲۹، انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه ص ۴۸.
- ۱۱- درویشی، فرهاد، (۱۳۸۰) فنون نظامی مشترک، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، ص ۲۱
- ۱۲- کالین گری، احمد علیخانی (مترجم)، سلاح جنگ افروز نیست، انتشارات دافوس سپاه، ص ۲۱۳.
- ۱۳- کالگر، ریچارد، استراتژی نظامی آمریکا در قرن ۲۱، مترجم: داوود علمایی، انتشارات دوره عالی جنگ سپاه، ص ۳۷۲-۳۷۰.
- ۱۴- باری بوزان، انقلاب در تکنولوژی نظامی، مترجم: محب علی دینانی، تهران
- ۱۵- جی. ای. سینگ، انقلاب در امور نظامی: جنگ چهاربعدی، مترجم: رسول افضلی
- ۱۶- تافلر، الوین، (۱۳۷۸) جنگ و پاد جنگ، ترجمه مهدی بشارت، انتشارات اطلاعات
- ۱۷- درویشی، فرهاد، (۱۳۸۱) جنگ آینده (ماهیت، ابعاد و مسائل)، فصلنامه دفاعی- امنیتی، شماره ۲۹، ص ۴۴ و ۴۳، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
- ۱۸- رابرت اچ. اسکیلز، جنگ آینده، مترجم: عبدالمجید حیدری، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، صص ۳۳ و ۳۵.